

آیه ۵۲-۵۳

آیه و ترجمه

و لقد جئناهم بكتب فصلنه على علم هدى و رحمة لقوم يؤمنون ۵۲
هل ينظرون الا تاويله يوم ياتى تاويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق فهل لنا من شفعاء فيشفعوا لنا او نرد فنعمل غيرالذى كنا نعمل قد خسروا انفسهم و ضل عنهم ما كانوا يفترون ۵۳
ترجمه :

۵۲ - ما کتابی برای آنها آوردیم که با آگاهی (اسرار و رموز) آنرا شرح دادیم (کتابی) که مایه هدایت و رحمت برای جمعیتی است که ایمان می آورند.
۵۳ - آیا آنها انتظار دارند سرانجام تهدیدهای الهی را مشاهده کنند؟ امروز که این امر انجام گیرد (کار از کار گذشته و بیداری سودی نخواهد داشت و) آنها که آنرا قبلا فراموش کرده بودند می گویند فرستادگان پروردگار ما به حق آمدند، آیا

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۹۶

(امروز) شفیعیانی برای ما وجود دارند که برای ما شفاعت کنند؟ یا (امکان دارد) باز گردیم و اعمالی غیر از آنچه انجام دادیم دهیم؟! (ولی) آنها سرمایه وجود خود را از دست دادند و معبودهائی را که به دروغ ساخته بودند همگی از نظرشان گم می شوند (نه راه بازگشتی دارند و نه شفیعیانی).

تفسیر :

آیه نخست اشاره به این است که محرومیت کفار و سرنوشت شومشان نتیجه کوتاهیها و تقصیرات خودشان است و گرنه از ناحیه خداوند هیچ گونه کوتاهی در هدایت و رهبری و ابلاغ آیات و بیان درسهای تربیتی نشده است لذا می گوید ما در هدایت و راهنمایی آنها چیزی فروگذار نکردیم کتابی برای آنها فرستادیم که تمام اسرار و رموز آن را با آگاهی کامل تشریح کردیم (و لقد جئناهم بكتاب فصلناه على علم).
«کتابی که مایه هدایت و موجب رحمت برای ایمان آورندگان بود اگرچه افراد لجوج و خودخواه از آن بی بهره می مانند (هدی و رحمة لقوم یؤمنون).

در آیه بعد اشاره به طرز تفکر غلط تبیه‌کاران و منحرفان در زمینه هدایت‌های الهی کرده می‌گوید: «گویا آنها انتظار دارند که سرانجام و نتیجه وعده‌ها و وعیدهای الهی را با چشم خود ببینند (بهشتیان را در بهشت و دوزخیان را در دوزخ مشاهده کنند) تا ایمان بیاورند!» (هل ينظرون الا تاويله). اما چه انتظار نابجائی است، زیرا هنگامی که نتایج و سرانجام این وعده‌های الهی را مشاهده کنند، کار از کار گذشته است و راهی برای بازگشت باقی نمانده

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۹۷

است «در آن هنگام آنها که کتاب خدا و برنامه‌های آسمانی او را به دست فراموشی سپردند، اعتراف می‌کنند، که فرستادگان پروردگار به حق مبعوث شده بودند و گفتار آنها نیز همه حق بود (یوم یاتی تاویلہ یقول الذین نسوه من قبل قد جائت رسل ربنا بالحق). اما در این هنگام در وحشت و اضطراب فرو می‌روند، و به فکر چاره‌جویی می‌افتند و می‌گویند: آیا شفیعیانی یافت می‌شود که برای ما شفاعت کنند؟! (فهل لنا من شفعاء فيشفعوا لنا). و یا اگر شفیعیانی برای ما در کار نیست و اصولاً شایسته شفاعت نیستیم» (آیا ممکن است به عقب بازگردیم و اعمالی غیر آنچه انجام دادیم انجام دهیم) و تسلیم حق و حقیقت باشیم (او نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل). ولی افسوس این بیداری بسیار دیر است، نه راه بازگشتی وجود دارد و نه شایستگی شفاعت دارند، زیرا آنها سرمایه‌های وجود خود را از دست داده و گرفتار خسران و زیانی شده‌اند که تمام وجودشان را در برمی‌گیرد (قد خسروا انفسهم). و بر آنها ثابت می‌شود که بتها و معبودهای ساختگی آنان در آنجا هیچگونه نقشی ندارد و در حقیقت «همه آنها از نظرشان گم می‌شوند» (و ضل عنهم ما كانوا یفترون). گویا دو جمله آخر آیه پاسخی است به دو درخواست آنان، یعنی اگر بنا شود دست به دامن شفیعیانی بزنند باید دست به دامن همان بت‌هایی بزنند که در دنیا در برابر آنها سجده می‌کردند، در حالی که آن بتها در آنجا هیچگونه منشا اثر نیستند.

و اما بازگشت آنها به دنیا در صورتی امکان دارد که سرمایه‌های در اختیار

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۹۸

داشته باشند در حالی که آنها همه سرمایه‌های خود را از دست داده و گرفتار
خسرانی شده‌اند که سراسر وجودشان را در برگرفته است.
از این آیه اولاً استفاده می‌شود که انسان در اعمال خود مختار و آزاد است و الا
تقاضای بازگشت به دنیا نمی‌کرد تا اعمال بد خود را جبران کند ثانیاً استفاده
می‌شود که جهان دیگر جای انجام عمل و کسب فضیلت و نجات نیست.